

## بوکن: سکونت گاه‌های سنتی مقنیان (نمونه بوکن‌های اردکان)

نادر پیری اردکانی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۷

### چکیده

در معماری ایران بوکن<sup>۱</sup> کاربردهای متعددی دارد. جغرافیا و محیط تعیین‌کننده شکل ساختاری بوکن است. در استان کویری یزد نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی، بوکن‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند. هرکدام از این نوع بوکن‌ها بر اساس ساختار کاربردی آن در دل زمین تعبیه می‌شوند. بوکن‌های چوپانی با توجه به موقتی بودن و فقط نگهداری از دام ساختار خاص خود را دارند. شاید چوپان به مدت چند ماه از آن بهره‌برد و بعد با توجه به نبود علوفه در دشت به مکان دیگر مهاجرت کند. بوکن‌های انسانی که شاید قدمت آن به پیش از تاریخ هم برسد معمولاً در حاشیه رودخانه‌های فصلی حفر شده‌اند. این نوع بوکن‌ها با توجه به این‌که محل استقرار بشر بوده از ساختار معماری بهتری برخوردار هستند.

---

\* پژوهشگر بومی پدیده‌ها و سازه‌های آبی به‌ویژه قنات در حاشیه کویر اردکان یزد. N.piri91@yahoo.com

در این مقاله به سبب این‌که رویکرد ما بوکن‌های مقنی‌ها می‌باشد به بررسی بیشتری در این حوزه پرداخته شده است. اگرچه از نظر کالبدی و کارکردی بوکن‌های مقنی‌ها را می‌توان گونه‌ای از بوکن‌های سکوتی محسوب نمود ولی به واسطه موقتی بودن سکونت در این فضاها یک سری اقتضائات و ویژگی‌های معماری خاص خود را دارند که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود. ناگفته نماند برخی از قنات‌های روستایی یا قنات‌هایی که طول کوره آن خیلی بلند نیست بوکن دائمی دارند و همواره مقنی‌ها برای استفاده و پیشکارکنی از آنها بهره می‌برند. بوکن‌های چوپانی و بوکن‌های مقنی‌ها از جمله شاخص‌ترین بوکن‌هایی موردی شهرستان اردکان یزد هستند که در این مقاله به اقتضا بدان پرداخته می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** بوکن [سرپناه]، مقنی، رده‌ها، چوپان، حفر

## مقدمه

بوکن یا همان کنده‌ها نقش انکارناپذیری در فرایند احداث قنات، پیشکارکنی و زنده نگه داشتن قنات داشته‌اند. کنده‌های زیرزمینی که توسط خود مقنیان احداث می‌گردید و ماه‌ها در آن زندگی می‌کردند، از جهت معماری ساده اما موردتوجه است. زندگی در این بوکن امکان داشته تا ۶ ماه و یا تا پایان احداث قنات به طول بینجامد. بنابراین بوکن‌ها نقش مهمی در ادامه حیات قنات در ابعاد مختلف داشته‌اند. این سازه‌های ساده را در کنار مادرچاه و بر اساس درآمد و نفقه (مالیات سنتی از هر واحد حبابه حبابه داران) قنات ایجاد می‌کردند. جالب این‌که مالکین تمام مراحل معماری تا هزینه‌های مدیریتی یک بوکن را پیش‌بینی می‌کردند. در این میان نظارت و مدیریت قوی میراب و عمده مالکان مانع پایمالی حقی در این راستا می‌شد. سیر تکامل انواع بوکن‌ها از بُعد پژوهشی مهم تلقی می‌شود. در راستای پژوهش در حوزه بوکن مقنی‌ها دانسته شد که

این بوکن‌ها در طول تاریخ قنات به تکامل رسیده‌اند. بوکن‌ها هرچه از پیشکار قنات فاصله می‌گیرند و به کشتخوان می‌رسند مراحل تکاملی خود را به اقتضای مکان جغرافیایی خود نشان می‌دهند. در این پژوهش با ارائه چند تصویر و نقشه به این روند تکاملی پرداخته شده است.

وضعیت اجتماعی بوکن‌ها و نحوه زندگی مقنی‌ها به فراخور موقعیت جغرافیای آن متفاوت است. زندگی در بوکن‌های دور از شهر گاهی بی‌وقفه تا یک ماه به طول می‌انجامد. همین‌که کوره قنات به شهر نزدیک می‌شد، بوکن‌ها جای خود را به کلاه‌فرنگی‌ها می‌دادند و محل زیست مقنی از زیرزمین به روی زمین منتقل می‌گردید. حتی در کلاه‌فرنگی‌ها سکونت بدون شب‌خوابی انجام می‌گرفت، خلاصه این‌که کلاه‌فرنگی‌ها فقط محل و مکان تعویض لباس، خوردن نیم‌نوبه<sup>۱</sup> و استراحت بوده است. آخرین مرحله سکونت در مسیر انتهایی کوره قنات گمبه‌های کشتخوانی هستند. اتاقک‌های کوچک و از جنس خشت و گل؛ گمبه‌ها محل اسکان دشتبان، میراب و خرده مالکان کشتخوان است. در واقع گمبه‌ها چرخه تکاملی مجموعه معماری سازه قنات را کامل می‌سازند. در فرهنگ‌های مختلف نام این اتاقک‌ها متفاوت است، برای مثال در شهر تاریخی عقدا آن را "پُرت" می‌نامند.

امروزه به سبب وجود وسایل نقلیه دیگر خبری از بوکن نیست، بلکه اتاقک‌های آجری احداث می‌کنند تا مقنی با کیفیت بهتری در کنار مادر چاه زندگی کند. در فرایند این پژوهش نگارنده به مقایسه بوکن و اتاقک‌های مقنیاں پرداخته است. جالب آنکه بدانید هزینه‌های ساخت اتاقک مثل گذشته با پرداخت نفقه تأمین می‌شود. نحوه پژوهش در این مقاله مبتنی بر پژوهش میدانی بوده است. منابع اصلی این مقاله از کتاب چاپ‌نشده "نود روز با مقنیاں" است. این کتاب زیر نظر و راهنمایی استاد دکتر جواد صفی‌نژاد از سال ۱۳۹۱ آغاز و تا به امروز پژوهش شده است. نگارنده بارانمایی‌های

۱- صبحانه و چاشت صبحگاهی است.

استاد در کنار انواع بوکن‌ها حضور یافته و با مصاحبه با افراد خبره به اطلاعات مورد نظر دست‌یافته است.

### بوکن‌های روستایی و چوپانی

در بوکن‌های روستایی و چوپانی با توجه به رفت‌وآمد حیوان، بوکن را در کنار تپه‌ها یا کنار دیواره رودخانه‌های فصلی احداث می‌کردند تا حیوان راحت‌تر وارد یا خارج شود، اما شکل‌کندن آن‌ها تقریباً شبیه به هم بوده است. (تصویر شماره ۴ و ۵). بوکن‌های روستایی و چوپانی را اصولاً در زمین‌های گلی احداث می‌کردند، چون رو به فضای باز است و رطوبت تخلیه می‌گردد. (دهستانی، ۱۳۹۰: فیش ۴۲۵)

اما تفاوت بوکن‌های روستایی با چوپانی در این است که بوکن‌های چوپانی بسیار کوچک است و معمولاً در آن طاقچه تعبیه نمی‌کنند. در این نوع بوکن‌ها حتی محل پخت غذا و منفذ تهویه هوا وجود ندارد و چوپان بیرون از بوکن به پخت غذای خود می‌پردازد. چوپان این نوع بوکن را تنها برای استراحت خود در دیواره رودخانه یا تپه احداث می‌کند. اما چوپانان بوکن‌های بزرگ‌تری برای گوسفندان خود احداث می‌کردند. این بوکن‌ها از قواعد خاصی پیروی نمی‌کنند و با توجه به سختی زمین هر چه می‌توانند، بوکن را توسعه می‌دهند. (تصویر شماره ۱) حتی در بوکن‌های چوپانی جهت استقامت در آن چند ستون تعبیه می‌کنند تا سقف بوکن فرونریزد. حتی در این نوع بوکن‌ها جای‌های کوچک‌تری ایجاد می‌شود تا بره‌ها و بزغال‌ها را در آن نگهداری کنند. (پژوهش میدانی نگارنده)

در این کنده‌ها منهدهایی جهت تهویه هوا در نظر می‌گیرند. این نوع منهدها دو کاربرد دارند؛ اول تهویه بوکن و دوم جهت آتش زدن بوکن؛ تا

بوکن از حیث هر نوع میکروب و حشره‌های موزی پاک گردد (گزستانی ۱۳۹۰: فیش ۴۰۰). در ساخت این بوکن‌ها و بوکن‌های روستایی افراد معدودی مهارت دارند. همه اقشار روستا و یا هر چوپانی به‌تنهایی بوکن احداث نمی‌کند، بلکه نیاز به استادکار دارد. ورودی این بوکن‌ها شیب‌دار است و حیوان و هر انسانی به‌سادگی می‌تواند وارد بوکن شود. اما بوکن‌های روستایی که مثل بوکن چوپانی در کنار تپه‌ها یا رودخانه‌های فصلی احداث می‌کردند، خیلی عمیق نیست و حداکثر عمق آن به ۴ یا ۵ متر و به عرض ۳ الی ۴ متر می‌رسد. اما در این نوع بوکن‌ها طاقچه‌های متعددی برای گذاشتن ظروف تعبیه می‌کنند. (تصویر شماره ۳) حتی در مرکز بوکن‌ها اجاقی می‌سازند و در مقابل آن زیر سقف، منفذی ایجاد می‌کنند تا دود حاصل از آتش به بیرون بوکن منتقل گردد. حتی در انتهای بوکن منفذ کوچکی نیز می‌گذارند تا به‌عنوان بادگیر، هوای بوکن را جابه‌جا کند. (پژوهش میدانی)

در فصل زمستان موقع بارندگی با مقداری بوته‌های بیابانی و تکه‌ای پارچه بادگیر احداث شده را می‌گیرند. حتی در این نوع بوکن‌های روستایی، در بدنه بوکن فضاهایی به طول ۲ متر و ارتفاع کمتر از ۱ متر و با عرض ۱ تا ۱/۵ متر احداث می‌کردند تا مثل تختخواب روی آن بخوابند و از گزند خزندگان در امان باشند. ورودی این کنده‌ها مسطح است و شیب زیادی ندارد (اکبری، ۱۳۹۲، فیش ۳۷۱).



عکس ۱- نمونه بوکن روستایی مخصوص نگهداری علوفه؛ روستای گزستان بخش خرائق اردکان (پاییز ۱۳۸۷، نادر پیری اردکانی)



عکس ۲- نمونه بوکن روستایی، محل زندگی اولین ساکنان روستای توت<sup>۱</sup> اردکان متأسفانه با وجود تذکرات مختلف، بخش اعظم این بوکن‌های تاریخی را از بین بردند. این مجموعه بوکن‌ها پلان کاملی بود که کمتر نقطه‌ای بدین نحو وجود داشت (زمستان ۱۳۸۸، نادر پیری اردکانی).

---

۱- روستای توت در فاصله ۶۰ کیلومتری شمال شهر اردکان واقع شده، آیین تعزیه‌خوانی آن به ثبت ملی رسیده و هر ساله در اواخر ماه صفر پذیرای هزاران نفر گردشگر دینی می‌باشد.

بوکن: سکونت‌گاه‌های سنتی مقنیاں ... ۱۶۹

اما روستائیان با توجه به جمعیت خانواده خود، نیاز به انباری، آشپزخانه، کاهدان و طویله داشته‌اند؛ بنابراین چند بوکن در راستای بوکن خود احداث می‌کردند، اما هیچ‌کدام به یکدیگر متصل نمی‌گردید. (تصویر شماره ۲)

مهم‌ترین کاربرد بوکن‌های روستایی نگهداری مواد غذایی، وسایل خانه، ادوات کشاورزی و آذوقه گوسفندان است. بوکن نشینان نیز تنها در فصول سرد زمستان به بوکن پناه می‌بردند و مابقی سال، روبه روی بوکن، ایوانی با خاک و سنگ ایجاد می‌کردند و از آن فضا استفاده می‌بردند.



عکس ۳- نمای یکی از بوکن‌های روستایی انجیرآوند اردکان

حفره‌هایی که در بوکن وجود دارد طاقچه‌هایی است که انسان‌ها در بدنه آن تعبیه کرده‌اند. قدمت این بوکن‌ها به درستی معلوم نیست اما تا دهه ۱۳۵۰ مردم روستا ساکن این نوع بوکن‌ها بوده‌اند. در این روستا بوکن‌ها در امتداد یک دره ایجاد شده‌اند. بوکن‌های بخش شمالی به علت جنس خاک آن تخریب شده است. اما بوکن‌های بخش جنوبی چون در بدنه کوه کنده شده‌اند همچنان پابرجا هستند و حتی از برخی به‌عنوان آغول گوسفندان استفاده می‌گردد (زمستان ۱۳۸۷، نادر پیری اردکانی).



عکس ۴- نمونه بوکن چوپانی چاهک واقع در ۵۰ کیلومتری شمال شرق شهر اردکان (۴ فروردین ۱۳۹۱، نادر پیری اردکانی).



عکس ۵- نمونه بوکن‌های طبیعی که در حاشیه رودخانه‌های فصلی به وجود می‌آیند. به این نوع بوکن‌ها در اصطلاح محلی "گم" می‌گویند. فضاهاى طبیعى عمق زیادى ندارد و معمولاً روستاییان در آن گوسفند نگهدارى مى‌کنند. این عکس مربوط به روستای گزستان اردکان است که در فاصله ۷۵ کیلومتری شمال شرق اردکان واقع شده است (۲۶ مرداد ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی).



## بوکن مقنی‌ها

استاد حاج حسین دهستانی نقل می‌کند: «اگر در گذشته «هفته خوابی» (زندگی یک هفتگی) داشتیم، اقدام به کندن بوکن می‌کردیم. در برخی قنوات ما مجبور بودیم یک هفته یا بیشتر دور از شهر باشیم و در قنات کارکنیم. بنابراین به‌صرفه نبود که هر روزه به شهر بیاییم و دوباره صبح بازگردیم. به‌ناچار در کنار میله چاه، بوکن احداث می‌کردیم تا ماه‌ها از آن بهره ببریم».

وی می‌گوید: «روش کار ما این‌گونه بود که هفته اول به شهر می‌آمدیم اما هر روزه پس از پایان کار دو یا سه ساعت اضافه برای احداث بوکن کار می‌کردیم و طی یک هفته بوکن کنده می‌شد. نصف هزینه کندن بوکن بر عهده نفقه قنات بود و نصف دیگر بر عهده مقنی‌ها؛ بنابراین چون مقنی‌ها وضع مالی خوبی نداشتند، نمی‌توانستند به‌یک‌باره برای چند روز بوکن بکنند. بنابراین عصرها اضافه‌کار می‌کردند و بوکن را در دل زمین به وجود می‌آوردند. (تصویر شماره ۷). کلنگ‌دارها مأمور کندن بوکن می‌شدند و کارگران گل‌کشی می‌کردند و گل را با فاصله کنار بوکن می‌ریختند تا پس از احداث بوکن با وزش بادهای موسمی گل و خاک وارد بوکن نشود.

حاج حسین در خصوص کندن بوکن می‌گوید: «بوکنی که ما می‌کنیم متفاوت با بوکن‌های روستایی و چوپانی بود. آنان می‌بایست بوکن را در کنار تپه یا رودخانه احداث می‌کردند، اما ما در زمین مسطح احداث می‌کردیم. بدین شکل که یک میله چاه به عمق حداقل ۲/۵ متر و با دهانه یک متر احداث می‌کردیم. سپس یک راهرو دو متری در انتهای آن ایجاد می‌شد. آن گاه بوکن را با سقفی گرد (هلالی) می‌کنیم تا قدرت سقف زیاد باشد. به‌طورمعمول به طول و عرض ۳ در ۲/۵ متر احداث می‌شد. آنگاه در انتهای بوکن یک راهرو دیگر طراحی می‌شد و بوکنی کوچک‌تر مثل همان می‌ساختیم

که آن بوکن آشپزخانه ما بود. در بوکن آشپزخانه، کوره و تنور وجود دارد. در بالای تنور و کوره سوراخی ایجاد می‌شود تا دود حاصل از آن به خارج بوکن هدایت گردد (دهستانی، ۱۳۹۱: یادداشت ۱).

استاد حاج حسین نقل می‌کرد: «اگر در بوکن اصلی فضا کافی نبود، باز در انتهای بوکن اصلی یک راهرو ایجاد می‌کردیم و پستویی به آن اضافه می‌کردیم تا چند نفری بتوانند در آن استراحت کنند. طی یک هفته که کار می‌کردیم، بوکن کاملاً تمام نمی‌شد. بلکه فقط می‌توانستیم در آن ساکن شویم. اما بعد هر مقنی در گوشه‌ای از بوکن طاقچه‌ای برای خود تعبیه می‌کرد تا وسایل شخصی خود را روی آن قرار دهد. یک قسمت بوکن را کمی بلندتر می‌کنیم تا بتوانیم راحت نماز بخوانیم که به آن نقطه «نمازخانه» می‌گفتیم. معمولاً در هنگام نیم نوبه و شب‌ها از بوکن استفاده می‌کردیم. چون از طلوع آفتاب تا ساعتی پس از شب کار می‌کردیم. یکی از مشکلات در این بوکن‌ها این بود که وقتی بادهای موسمی و طوفان می‌وزید، بوکن پر از ریگ می‌شد. مجبور بودیم با این شرایط بسازیم و پس از طوفان، بوکن را تمیز کنیم. «در زمین‌هایی که گلی و مرطوب بود بوکن نمی‌کنیم، چون مقنی مدام در معرض رطوبت است، دیگر نمی‌تواند در جای رطوبتی زندگی کند. بنابراین فقط در زمین‌های گچی و شنی بوکن احداث می‌کردیم. در زمین‌های شنی و گچی پس از مدتی زندگی، به علت پخته شدن گچ و یا ریخته شدن ریگ و شن، سقف را با پلاستیک می‌پوشاندیم تا هنگام غذا خوردن اذیت نشویم» (دهستانی، ۱۳۹۱: یادداشت ۲).

### وضعیت دمای بوکن

بوکن در عمق ۲/۵ یا ۳ متری زمین قرار دارد، در تابستان‌ها نسبتاً خنک و در زمستان‌ها تقریباً گرم است. اما در اوج تابستان گاهی که هوا خیلی گرم می‌شود

و بوکن دم دارد بین پستو و بوکن بادگیر می‌سازند تا هوای بوکن را تهویه کند و دوباره در زمستان آن ورودی بادگیر را می‌گیرند، اما در زمستان خیلی سرد، جلوی راهرو ورودی بوکن یک پرده نصب می‌کردند. «در آن دوران چراغ خوراک‌پزی داشتیم گرمای چراغ به‌قدر کافی بوکن را گرم نگه می‌داشت» (دهستانی، ۱۳۹۱: یادداشت ۴).

### وضعیت آب مصرفی

معمولاً این‌گونه مرسوم بود که یک نفر شتردار آب خوردن مقنی‌های در حال کار چهار رشته قنات، را فراهم سازد. این شخص با شتر هفته‌ای دو دفعه آب خوردن را در ظروف مختلف حمل می‌کرد و برای مقنی‌ها می‌آورد. مرد ساقی تپوهای<sup>۱</sup> ذخیره آب را پر از آب شیرین می‌نمود و پس از تخلیه می‌رفت. هزینه آب مصرفی مقنی‌ها بر عهده مالکان و شاربین قنات بود.

### وضعیت غذا

به سبب دوری مسافت و عدم وجود وسیله نقلیه، مقنی‌ها نمی‌توانستند به‌غیر از یکی دو روز اول گوشت مصرف کنند. حتی مجبور بودند، مدام از نان خشک استفاده کنند. از بردن چهارپا نیز خودداری می‌کردند. چرا که چهارپا نیاز به آذوقه داشت و این خود به‌نوعی برای مقنی‌ها دردسر و هزینه داشت. استاد حاج حسین از وضعیت غذای خود در دوره هفته خوابی نقل می‌کند و می‌گوید: «طی یک‌هفته‌ای که در بوکن ساکن بودیم تنها یکی دو روز اول گوشت گوسفند برای مصرف داشتیم و آبگوشت پخت می‌کردیم، اما چون برق در کار نبود قادر نبودیم، گوشت را نگهداری کنیم. روزهای بعد از مصرف

---

۱- ظرف سفالی بزرگ شبیه به کوزه

گوشت گوسفند، کالجوش و اشکنه ارده می‌خوردیم. حتی اگر اقامت یک ماه به طول می‌انجامید غذای مقنی‌ها همین کالجوش و اشکنه بود. همه این وضعیت را پذیرفته بودند و رضایت داشتند. کار در قنات و زندگی در بوکن ویژگی و شرایط خاص خود را دارد» (دهستانی، ۱۳۹۲: یادداشت ۵).

### کوچک‌پا

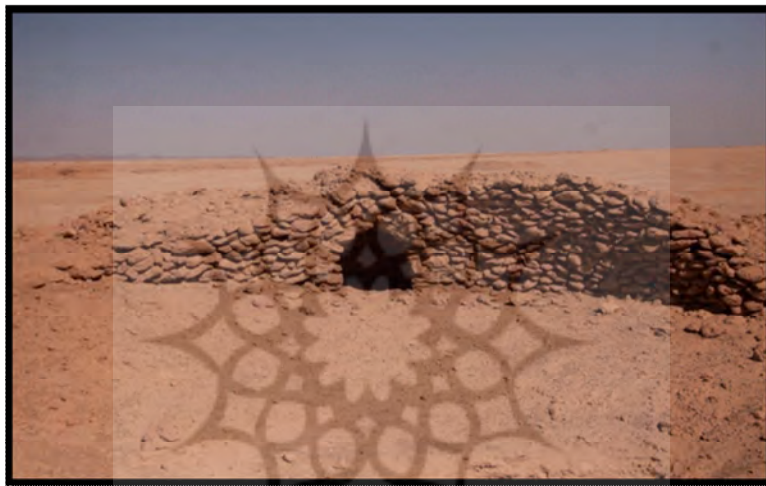
روزهایی که برای یادداشت خرابی کُشی (تعمیر خرابی‌ها) قنات می‌رفتم و در پی یادداشت زندگی‌نامه مقنی‌ها بودم، آنان به شخصی در رده مقنی‌ها اشاره کردند که تاکنون نام آن را نشنیده بودم، حتی در منابع پژوهشی نیز از چنین شخصی نامی به میان نیامده بود! یا دست‌کم بنده بدان برنخورده بودم. شخصی که کارهای جانبی مقنی‌ها را انجام می‌دهد در اصطلاح «کوچک‌پا» می‌گویند. کوچک‌پا در مواقع لزوم به لاشه کُشی نیز مشغول می‌شود. این شخص در مدت اقامت مقنی‌ها در بوکن، نظافت بوکن، آب آوردن برای مقنی‌ها، نان پختن، شستن ظرف و غیره را انجام می‌دهد. البته شخص «کوچک‌پا» ممکن است، کودک ۱۰ ساله باشد و یا شخصی ۷۰ ساله؛ ولی معمولاً کلنگ‌دارها فرزند خود را به‌عنوان کوچک‌پا به هفته خوابی می‌برند و تقریباً همه کارهایی که در قنات صورت می‌گرفت را به فرزند خود می‌سپردند تا کسب تجربه نمایند. نمونه آن استاد حاج حسین و غلام‌رضا هاتفی هستند که بیش از دو سال در کنار پدر کوچک‌پا بوده‌اند.

### سبودان

مقنی‌ها همیشه در کنار میله چاه، با گل‌های چشم‌هم (گل‌سفت یا کُلوخ) اتفاقی کوچک می‌سازند تا سبوی آب خود را زیر آن قرار دهند. مقنی‌ها این

بوکن: سکونت‌گاه‌های سنتی مقنیاں ... ۱۷۵

فضای کوچک را در اصطلاح «سبودان» می‌گویند. سپودان باعث می‌گردد تا آفتاب گرم کویر مستقیم به سبوی آب نتابد. سپودان در ابعاد مختلف و با سلايق گوناگون ساخته می‌شود. برخی مقنی‌ها که باحوصله سپودان ساخته‌اند، هنوز سپودانشان پس از سال‌ها سالم و دست‌نخورده، در کنار پشته قنات وجود دارد. (تصویر شماره ۶)



عکس ۶- نمونه محل سپودان که با هنرنمایی دلوگیر ایجاد شده است (۱۰ اسفند ۱۳۹۲).

نادر پیری اردکانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بوکن قنات‌هاشم‌آباد نمونه موردی پژوهش

۲۲ مهرماه ۱۳۹۲ با دعوت قبلی استاد حاج حسین دهستانی اردکانی برای بازدید قنات‌هاشم‌آباد واقع در جاده اردکان- عقدا رفتیم. این قنات در فاصله یک کیلومتری امامزاده سید نورالدین احمد واقع شده است. قنات‌هاشم‌آباد از سمت جنوب اردکان به سمت شمال سرازیر است. دلیل بازدید نگارنده از قنات، بررسی بوکن قنات‌هاشم‌آباد از نزدیک بود. ساعت ۹ صبح به گروه مقنی‌ها اضافه شدم. مقنی‌ها در حال خرابی کشی

قنات بودند. قنات‌هاشم‌آباد به علت سیل خوردگی سال جاری به طور کامل مسدود شده بود. بنابراین مقنی‌ها در حال تنقیه آن هستند.



عکس شماره ۷- استاد حاج حسین در حال وارد شدن به میله بوکن قنات‌هاشم‌آباد اردکان ارتفاع میله بوکن نزدیک به ۲ متر است، اما به علت فرسایش و رها شدن بوکن بخشی از قسمت ورودی آن تخریب شده است. بوکن (۲۲ مهر ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)

به اتفاق استاد حاج حسین برای بازدید بوکن قنات‌هاشم‌آباد رفتیم. بوکن را در نزدیکی مادر چاه کنده بودند. به گفته استاد حاج حسین این قنات به علت کوتاهی راهرو فقط همین یک بوکن را دارد. مقنی‌ها همواره از این بوکن بهره می‌بردند بوکن در عمق ۲ متر و ۲۰ سانتیمتری (۲/۲۰) سطح زمین قرار داشت. یک میله چاه، راه ارتباط بوکن با سطح زمین بود، میله ورودی به علت فرسایش دهانه آن باز بود و ورود به آن به سختی صورت می‌گرفت. بوکن سمت راست محل استراحت مقنی‌ها بود و بوکن سمت چپ، کوره مقنی‌ها. بوکن سمت راست به ابعاد  $۳/۵ \times ۲$  متر است. ۷ طاقچه و ۷ رف چراغ‌موشی وجود دارد. برایم خیلی جالب بود، بوکن را بسیار هنرمندانه و باظرافت خاصی کنده‌اند. گویا قصد داشته‌اند سال‌های متمادی در آن

زندگی کنند! هر طاقچه به ابعاد تقریبی ۳۰×۳۰ و با عمق ۱۵ سانتیمتر تعبیه شده تا هر مقنی وسایل شخصی خود را در آن طاقچه قرار دهد. بوکن مستطیل نیست، بلکه به شکل یک صلیب است. سمت راست و چپ بوکن حدود ۱/۵ متر فرورفتگی دارد، با این روش پستو از بوکن حذف شده است. تفاوت دیگری که در این بوکن مشاهده کردیم وجود اجاق در محل نشیمن بود. اجاق را زیر بادگیر قرار داده‌اند تا دود موجود در بوکن از بادگیر تخلیه شود. اجاق را با سنگ و شفته محکم ساخته‌اند و احتمالاً با همین اجاق نان هم می‌پختند. در سمت چپ تنور را عمیق‌تر کنده‌اند. دهانه طاقچه حدود ۰/۵ متر ولی عمق آن به ۱ متر می‌رسد. این طاقچه مخصوص نگهداری مواد غذایی از قبیل نان خشک، قند و چای، روغن، ارده و وسایل آشپزخانه مقنی‌ها است.

استاد حاج حسین گفت: این بوکن با بوکن‌هایی که ما می‌ساختیم، اندکی تفاوت دارد و تفاوت آن در همین نکته است. ما اجاق را در محل نشیمن قرار نمی‌دهیم. استاد حاج حسین ادامه داد: به‌رحال تمام ویژگی‌های معماری بوکن در آن رعایت شده، گرچه برخی تفاوت‌هایی دارد که طبیعی است. سلیقه آفریننده بوکن این‌گونه بوده است (دهستانی، ۱۳۹: یادداشت). سقف بوکن اتوبوسی شکل است و خیلی سقف بوکن دور ندارد. ارتفاع بوکن ۱/۵۵ سانتیمتر است، اما برخی جاها کمتر ارتفاع دارد. در سمت راست بوکن، نزدیک اجاق، سقف بوکن را به ابعاد ۳۰×۳۰ سانتیمتر و عمق ۱۰ سانتیمتر دایره‌ای شکل برداشته بودند. به این قسمت بوکن مقنی‌ها در اصطلاح «نمازخانه» می‌گویند. در واقع بلندترین قسمت بوکن است. استاد حاج حسین در نمازخانه قرار گرفت. صاف ایستاد و اگر قرار بود نماز بخواند، مشکلی نداشت، استاد حاج حسین ۱۶۰ سانتیمتر قد دارد و این بوکن برای امثال وی اندازه و مناسب است (تصویر شماره ۱۱). اصولاً مقنی‌ها ریزنقش و کوتاه‌قد هستند. آدم درشت و قدبلند کارایی کمتری در قنات دارد. مگر در چرخ کشی و دلو‌گیری؛ (تصویر برش قنات)

## ساخت اتاقک

امروزه در کنار قنات‌ها بوکن احداث نمی‌کنند. مقنی‌ها برای راه‌های دور اتاقک‌های کوچک می‌سازند تا در موقع کار در مادر چاه قنات از آن استفاده کنند. چند نمونه آن در کنار مادر چاه قنات زین‌الدین آباد اردکان وجود دارد. (تصویر شماره ۸).

اتاقکی که نگارنده ارزیابی کرده، اتاقکی به طول ۴/۵ متر و عرض ۳/۷۰ سانتیمتر است. ضخامت پی‌ها ۴۰ سانتیمتر و ارتفاع آن با سقف دوردار ۶۰/۲ سانتیمتر؛ در طول هر دو طرف اتاقک دو طاقچه به عرض ۹۰ سانتیمتر تعبیه شده است. اتاقک دارای یک در ورودی و در مقابل آن یک پنجره ساده است که نور اتاقک را تأمین می‌کند. اتاقک حدود ۲۰ سانتیمتر از سطح زمین پایین‌تر است و کف آن را با سیمان پوشانده‌اند. حاج حسین دهستانی سر استاد مقنی‌ها در مورد هزینه اتاقک گفت: «در گذشته نصف هزینه بوکن بر عهده مالکان و شاربین بوده و اکنون نیز همین روند ادامه دارد» (دهستانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۱۰). اتاقک در مدت ۴ روز ساخته می‌شود با این هزینه کرد در سال ۱۳۹۰:



عکس ۸- نمونه اتاقک امروزی مقنی‌ها در کنار مادر چاه قنات زین‌الدین آباد اردکان

(اسفند ۱۳۹۰، نادر پیری اردکانی)



جدول ۱- هزینه‌های ساخت بوکن

موضوع	قیمت به تومان
۴ روز استاد بنا و هر روز با دستمزد ۴۰۰۰۰ تومان	$4 \times 40000 = 160000$
هر روز ۴ کارگر و دستمزد هر کارگر ۲۰۰۰۰ تومان	$4 \times 4 = 16 \times 4 = 320000$
۹ تن آجر مصرفی هر تن معادل ۴۵۰۰۰ تومان	$9 \times 45000 = 405000$
کرایه یک ماشین خاور ۴۰۰۰۰ تومان	۴۰۰۰۰
۵ عدد پاکت سیمان هر پاکت ۶۰۰۰ تومان	$6000 \times 5 = 30000$
۵ عدد گچ هر پاکت ۱۸۰۰ تومان	$1800 \times 5 = 9000$
یک در و پنجره به وزن ۶۰ کیلو هر کیلو ۱۵۰۰ تومان	$15000 \times 60 = 900000$
جمع کل	۱۰۵۴۰۰۰

### مقایسه اتاقک با بوکن

#### معایب بوکن:

- ۱ - سختی رفت‌وآمد مقنی‌ها به بوکن؛
- ۲ - با تغییر آب‌وهوا، ریزش خاک در بوکن آغاز می‌شود. «در سقف بوکن پارچه‌ای و یا پرده‌ای پلاستیکی می‌بستیم تا مدام خاک و گل در غذا نریزد» (دهستانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۱۲). پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۳ - قبلاً چون وسایل کلنگ‌کشی به واسطه گرما و سرما داخل مطبخ بوکن قرار داشته، دود حاصل از کلنگ‌کشی آزاردهنده بود.
- ۴ - مدت احداث بوکن بیش از ساخت یک اتاقک است، معمولاً یک هفته به طول می‌انجامد.

#### محاسن بوکن:

- ۱ - در داخل بوکن، دما معمولاً یکسان است. در تابستان نسبتاً خنک و در زمستان تقریباً گرم؛

- ۲- هرگاه باد و طوفان بوزد و یا باران شدیدی ببارد، امنیت و وضعیت بوکن مناسب‌تر است.
- ۳- بوکن نیازی به مصالح ساختمانی ندارد.
- ۴- نیازی به استاد بنا و کارگر ساختمانی ندارد و توسط خود مقنی‌ها احداث می‌شود، ضمن آنکه بخشی از هزینه ساخت بوکن به جیب خود مقنی می‌رود.

#### محاسن اتاقک:

- ۱- رفت و آمد در اتاقک به سهولت صورت می‌گیرد.
- ۲- به سبب آن‌که اتاقک در سطح زمین است نور در اتاقک به قدر کافی وجود دارد.
- ۳- جای طاقچه‌های اتاقک بهتر از بوکن است.
- ۴- موقع استراحت در اتاقک، نسبت به اطراف خود کنترل دارند و بر وسایل کار خود نظارت دارند.
- ۵- ریزش خاک در اتاقک وجود ندارد و فضای موجود، بهداشتی‌تر از اتاقک است و شباهت بیشتری به خانه دارد.
- ۶- ساخت اتاقک سریع‌تر از بوکن صورت می‌گیرد. در مجموع مقنی‌ها کیفیت اتاقک‌ها را خیلی بهتر از بوکن می‌دانند

#### معایب اتاقک:

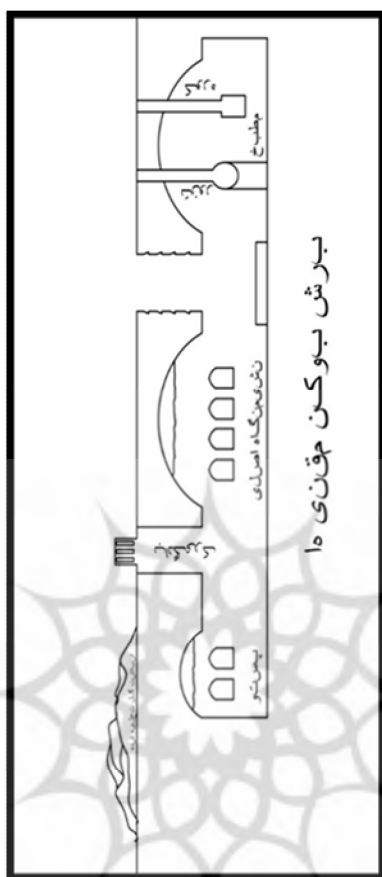
- ۱- تنظیم دما ندارد، در گرما، گرم است و در سرما، سرد؛
- ۲- در باد و باران هیچ‌گاه امنیت بوکن را ندارد.
- ۳- نیاز به مصالح ساختمانی دارد.
- ۴- به‌غیر از نیروی کار، مقنی‌ها می‌بایست از بنا و کارگر ساختمانی نیز استفاده کنند. هنگام ساخت و هزینه کردن، کمکی به اقتصاد مقنی‌ها نمی‌شود.
- ۵- هزینه تمام‌شده اتاقک بیش از بوکن است.

## آشپزخانه بوکن

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مقابل اتاق نشیمن، آشپزخانه وجود دارد. البته این بوکن آشپزخانه نداشت و تنها کوره‌ای برای آن در نظر گرفته‌اند. این بوکن، بوکن کوچک و محقری است، در ابعاد ۲×۲ متر؛ شاید هم کمتر! نتوانستم داخل بوکن بشوم تا دقیق اندازه‌گیری نمایم، اما در نوع خودش جالب است. آفریننده بوکن همه جوانب کار را در نظر گرفته است تا بوکن از نظر فضا کسری نداشته باشد. سمت راست بوکن را به شکل هنرمندانه‌ای به ۳ قسمت تقسیم کرده بودند. محل قرار گرفتن دم، محل وسایل و اجاق یا کوره؛ بین هر ۳ این‌ها دیواره ۱۰ سانتیمتری قرار داشت که یکدیگر را از هم جدا می‌ساخت (تصاویر شماره ۹ و ۱۰ و ۱۲).

استاد حاج حسین می‌گوید: شخص کوچک‌پا در کنار دم می‌نشسته و استاد روبروی اجاق و کوچک‌پا می‌بایست دم بدمد تا زمانی که کار کلنگ کشی به پایان برسد! (دهستانی، ۱۳۹: یادداشت). در انتهای بوکن زغال دان است. زغال‌دان را مثل آخوره تعبیه کرده‌اند. بالای آن نیز سوراخی است که زغال‌ها از بالا به پایین می‌ریختند. منفذی دیگر روی اجاق قرار داشت، اما هر دو به‌مرور زمان مسدود شده است. استاد حاج حسین در خصوص سوخت می‌گوید: مصرف زغالمان زیاد بود که هزینه آن بر عهده سرمقنی بود. هزینه زغال جز هر تومان، ۲ ریال است بابت همان کرایه وسایل مقنی؛ توضیح این‌که در گذشته مقنی‌ها برای ابزار کار خود مثل چرخ و چاه، کلنگ و غیره کرایه از مالکان می‌گرفتند.

«اگر زغال‌سنگ می‌آوردیم، مصرف کمتری داشتیم، ولی اگر زغال چوب مصرف می‌کردیم، مصرف زیادتر می‌گشت. هفته‌ای ۱ یا ۲ بار شتر زغال مصرف می‌کردیم. از زغال هم برای کوره استفاده می‌کردیم و هم برای آشپزی و تنور (دهستانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۱۵). کار در قنات به‌قدری زیاد بود که فرصت نداشتیم به بیابان برویم و بوته بکنیم! بنابراین از زغال آماده استفاده می‌کردیم.»



طرح ۱- برش بوکن مقنی

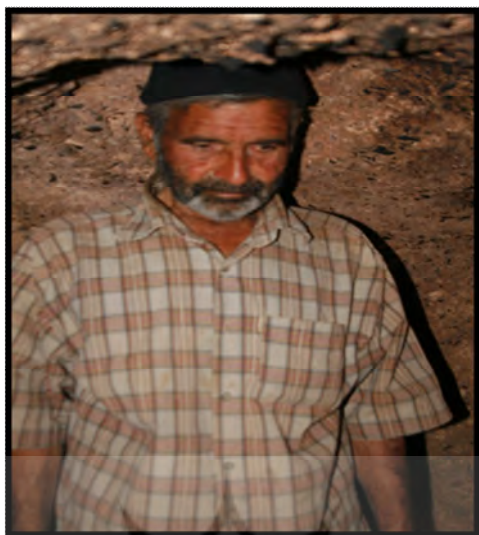
در این برش بوکن مطبخ که شامل محل نگهداری هیزم، کوره و تور نان است، مشخص شده است و قسمت نشیمن‌گاه شامل طاقچه‌های متعدد، بادگیر و پستو است. مقنی‌ها به‌طور موقت به مدت ۳ تا ۶ ماه از آن استفاده می‌کردند. البته در برخی قنات‌ها که طول زیادی ندارند، از بوکن‌ها به‌طور مداوم و همیشگی استفاده می‌کردند مثل قنات هاشم‌آباد اردکان که تنها یک بوکن برای آن احداث شده و مقنی‌ها همواره از آن بهره می‌بردند (نادر پیری اردکانی).



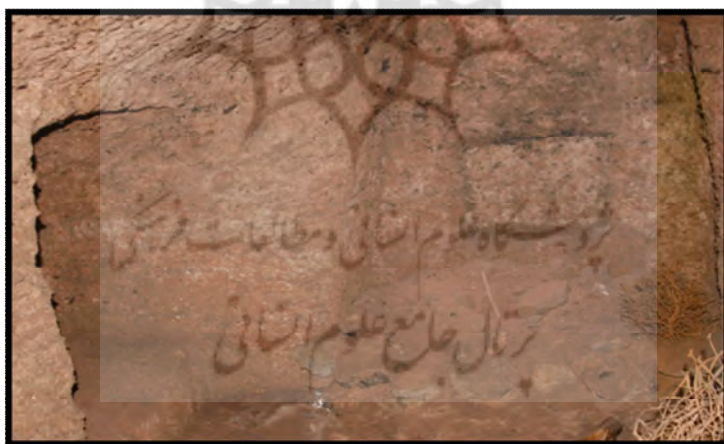
عکس ۹- نمای داخلی بوکن هاشم‌آباد، در انتهای بوکن پستوی کوچکی وجود دارد که محل نگهداری نان و مواد غذایی مقنی‌ها است و بریدگی نبش دیوار محل قرار دادن موشی است. (۲۲ مهر ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)



عکس ۱۰- در این بوکن یک اجاق ساده هست. مقنی‌ها پخت غذای خود را در همان محل نشیمن‌گاه انجام می‌دادند. آشپزخانه این بوکن فقط کار کوره و نگهداری هیزم را بر عهده داشته است. حاج حسین در حال بازدید از اجاق بوکن می‌باشد. (۲۲ مهرماه ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)



عکس ۱۱- نمای داخلی بوکن در قسمت نمازخانه بوکن، سقف کمی بلندتر است تا شخص نمازگزار راحت و تمام‌قد بتواند نماز بخواند. در این تصویر حاج حسین در قسمت نمازخانه ایستاده است. (۲۲ مهرماه ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)



عکس ۱۲- نمایی دیگر از بوکن فئات‌هاشم‌آباد اردکان، در قسمت روبروی تصویر اجاق مقنی‌ها وجود دارد. اطراف اجاق را با سنگ، فرش کرده‌اند. در بالای اجاق منفذی جهت انتقال دود تعبیه شده و در سمت چپ تصویر طاقچه‌ای بزرگ جهت نگهداری مواد غذایی در کنار اجاق وجود دارد. (۲۲ مهرماه ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)

## کلاه‌فرنگی یا گمبه

مقنیه‌ها همیشه اقدام به احداث بوکن نمی‌کردند بلکه با توجه به شرایط موجود، محل اسکان و سرپناه خود را به وجود می‌آوردند. «گاهی مواقع به سبب این‌که زمین اطراف قنات، گل می‌باشد شرایط برای احداث بوکن مناسب نیست. در این موقع اقدام به ساخت کلاه‌فرنگی کوچک و یا گمبه می‌کردند. گمبه‌ها را با این هدف نمی‌ساختند که تنها جهت هفته خوابی باشد، بلکه وقتی چند مقنی از عمق میله چاه ۴۰، ۵۰ متری بیرون می‌آیند، عرق کرده و خیس هستند؛ برای جلوگیری از سرماخوردگی می‌بایست مکانی برای تعویض لباس و استراحت داشته باشند» (دهستانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۱۹).

به‌رحال مقنیه‌ها اقدام به ساخت کلاه‌فرنگی یا گمبه می‌کردند. مصالح ساخت کلاه‌فرنگی تنها و تنها گل سفت میله چاه می‌باشد. مقنیه‌ها پس از کندن چند متر از میله چاه به گل سفت یا به قول خودشان سفت «گل چشم هم» می‌رسند. آن گاه یک نفر مأمور می‌شود تا در کنار کتفال (گل‌های اطراف میله چاه) کلاه‌فرنگی بسازد. (پژوهش میدانی) شاید ساخت این گمبه ساده و کوچک چند روز به طول بینجامد، اما چاره‌ای نیست، باید ساخته شود. شخص سازنده کلاه‌فرنگی، پی‌ها را به قطر یک متر با گل می‌چیند و نزدیک به ۱/۵ متر پی را بالا می‌آورد. سپس به شکل بسیار هنرمندانه با همان گل سفت، سقف را می‌پوشاند. برای قدرت و استحکام سقف، مقداری گل نرم و خیس روی سقف پهن می‌کند، پس از چند روز لایه ریخته شده، سوراخ‌های سقف را کاملاً می‌پوشاند (تصویر شماره ۱۳ و ۱۴).

در طراحی این کلاه‌فرنگی‌ها، دو در ورودی برای آن در نظر می‌گیرند. یکی رو به دهانه میله چاه، که این در، مخصوص مقنیه‌هایی است که از میله چاه بیرون می‌آیند و در دیگر برای سایر مقنیه‌ها تعبیه می‌گردد. (نادر پیری اردکانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۴).



عکس ۱۳- نمونه‌ای از کلاه‌فرنگی ساخته‌شده قنات صدرآباد اردکان واقع در شمال شهر  
بفروئیه (۱۰ اسفند ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)

مقنی‌ها نزدیک به ۳ ماه در کنار هر میله چاه فعالیت می‌کردند بنابراین پس از ۲ هفته کار، اقدام به ساخت کلاه‌فرنگی می‌کردند. آنان مجبور بودند تا زمانی که به گل سفت نرسیده‌اند، صبر کنند و زیر آفتاب سوزان فعالیت خود را ادامه دهند. از کلاه‌فرنگی‌ها جهت عوض کردن لباس، صرف چای و صبحانه و استراحت کوتاه‌مدت بهره می‌برند.



عکس ۱۴- نمای کلی کلاه‌فرنگی‌ها (۱۰ اسفند ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)



ساخت این نوع کلاه‌فرنگی‌ها، هزینه‌ای بر دوش قنات نمی‌گذارد، بلکه گل‌کش با هنرنمایی خود سرپناهی به وجود می‌آورد تا برای لحظاتی در پناه سایه آن از آفتاب سوزان کویر در امان بمانند. این‌گونه نماها در دل کویر سوزان جاذبه‌ای فوق‌العاده برای گردشگران دارد.

در گمبه‌ها یا کلاه‌فرنگی‌های کوچک یک تا چند طاقچه جهت قرار دادن وسایل خود طراحی می‌کردند. محل طاقچه‌ها در هر کلاه‌فرنگی متفاوت است. بستگی دارد سازنده و بنا طاقچه را کجای کلاه‌فرنگی در نظر بگیرد. معمولاً سلیقه‌ای است و قانون خاصی به دنبال ندارد. حتی در کلاه‌فرنگی‌هایی که در فصل تابستان می‌ساختند، پنجره کوچکی رو به باد ایجاد می‌کردند تا فضای داخل خنک شود. طول این کلاه‌فرنگی‌ها، حداقل ۲/۵ متر و حداکثر ۵ متر است و عرض آن‌ها را ۱ تا ۱/۵ متر بیشتر در نظر نمی‌گرفتند، تا در پوشیدن سقف آن‌ها به مشکل برنخورند. اما اگر در نظر داشتند تا سقف مدور بسازند، پهنا را عریض‌تر در نظر می‌گرفتند (نادر پیری اردکانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۶).

این کلاه‌فرنگی‌ها را معمولاً در هر پشته‌ای به وجود می‌آوردند. به‌هرحال ساخت این کلاه‌فرنگی‌ها خیلی ساده است هرچند که استادی خاص خود را می‌طلبد. در مواردی که نگارنده مشاهده کردم در یک کتوال دو کلاه‌فرنگی ساخته بودند. احتمالاً تعداد نفرات مقنی‌ها در مواقعی بیشتر بوده، بنابراین در کنار کلاه‌فرنگی اصلی، گمبه‌ای دیگر بنا کرده‌اند. با این‌که کلاه‌فرنگی‌ها خیلی ساده ساخته شده‌اند، و نزدیک به نیم‌قرن قدمت دارند، اما هنوز در برابر باد و باران مقاوم ایستاده‌اند!

### گمبه‌ها و کلاه‌فرنگی‌های کشتخوانی

نظیر همین گمبه‌ها و کلاه‌فرنگی‌های مقنی‌ها در کشتخوان‌ها نیز وجود دارد که مورد استفاده طاقدران، میراب‌ها، دشتبانان و خرده مالکان قرار می‌گیرد. گمبه‌ها

و کلاه‌فرنگی‌های کشتخوانی برخلاف گمبه‌ها و کلاه‌فرنگی‌های مقنی‌ها از خشت و اندود کاهگل ساخته شده‌اند و از استقامت و پایداری خوبی برخوردارند. (تصاویر شماره ۱۵ و ۱۶) گمبه‌ها و کلاه‌فرنگی‌های کشتخوانی، شومینه و طاقچه‌های گوناگون تعبیه کرده‌اند و مالکان برای حفظ آن هر ساله آن را با کاهگل اندود می‌کنند (نادر پیری اردکانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۷).



عکس ۱۵- نمونه‌ای از گمبه‌های کشتخوانی در کشتخوان کمال‌آباد اردکان (۲۴ تیر ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی)

ساخت گمبه‌های کشتخوانی نیز از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند و معمولاً طبق سلیقه مالک و یا معمار احداث می‌شود. بحث زیباشناختی گمبه‌ها مورد نظر نیست بلکه کاربرد گمبه‌ها مورد نظر است. مهم‌ترین کاربرد گمبه‌ها محل استراحت دشتبان، مالک و یا شارب می‌باشد.

امروزه از این مکان‌ها علاوه بر استفاده طاقداران، دشتبانان، میراب‌ها و خرده مالکان، جوانان نیز به‌عنوان محل پاتوق از آن استفاده می‌کنند و تا پاسی از شب در آن می‌نشینند و ....

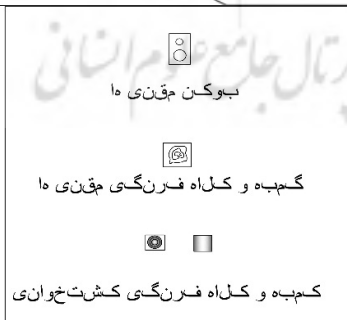
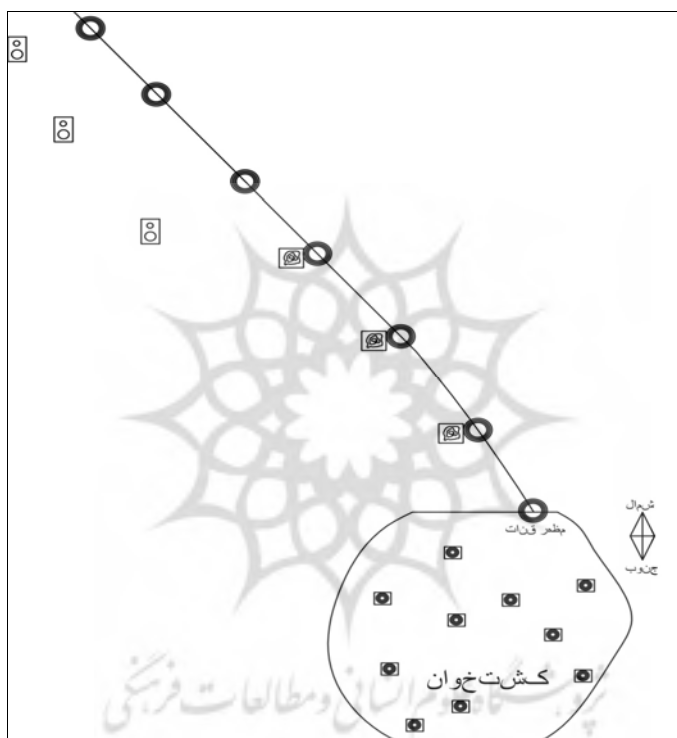
در واقع بنده معتقدم که بوکن‌ها، کلاه‌فرنگی‌ها، گمبه‌های کشتخوانی و صفه دشتبانی از مادر چاه متولد می‌شوند و در کشتخوان به تکامل می‌رسند. این سیر تکاملی از مادر چاه شروع می‌شود و در نهایت به کشتخوان منتهی می‌گردد. (پلان مراحل تکمیلی بوکن) البته در کشتخوان با معماری خاص و استحکام زیادی بنا می‌گردد و قرن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (نادر پیری اردکانی، ۱۳۹۳: یادداشت ۹).

مهم‌ترین کاربرد بوکن‌ها محل استراحت مالکان، شاربین و نگهداری از برخی وسایل کشاورزی است. این موضوع مهم‌ترین نقش را در هنگام ساخت گمبه‌ها دارد، بحث زیباشناختی، آسایش و تفریح در درجه بعد قرار می‌گیرد. گاهی آسایش و زیباشناختی پررنگ می‌گردد و گاهی از قلم می‌افتد. سیر تکامل بوکن تا گمبه‌های کشتخوانی از بُعد اجتماعی و اقتصادی قابل تأمل است. تاکنون از نظر تاریخی و رابطه اجتماعی این دو پژوهشی صورت نگرفته است.



عکس ۱۶- نمونه گمبه کشتخوانی در کشتخوان اسداباد اردکان (نادر پیری اردکانی)

قطر گمبه حدود ۵ متر و ارتفاع آن نزدیک به ۲ متر؛ همان‌طور که قبلاً اشاره گردید گمبه‌ها در کشتخوان‌ها به اشکال گوناگونی ساخته می‌شوند. این نمونه گمبه کشتخوانی تنها محل استراحت و فرار از سرمای استخوان سوز، گرمای کویری و نگهداری وسایل کشاورزی برای مالکان و شاربین است. (۹ اسفندماه ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی).



طرح ۲- سیر تکامل بوکن

بوکن: سکونت‌گاه‌های سنتی مقنیاں ... ۱۹۱

در طرح ۲ سیر تکامل بوکن، کلاه‌فرنگی و گمبه‌های دشتبانی نشان داده می‌شود، در قسمت‌های نزدیک به مادر چاه که مقنی‌ها با شهر فاصله داشته‌اند، بوکن احداث می‌کردند و آنگاه که نزدیک به شهر می‌شدند، کلاه‌فرنگی می‌ساختند و در نهایت در کشتخوان گمبه‌های کشتخوانی ساخته شده قدمت برخی از صفه‌های دشتبانی در اردکان به دوره صفویه بازمی‌گردد.



عکس ۱۷ - نمونه صفه دشتبانی اردکان واقع در کشتخوان کمال‌آباد (نادر پیری اردکانی) مرد کشاورز برای استراحت به این صفه پناه آورده است. حوضچه کوچکی که در روبه روی صفه دشتبانی قرار دارد، روزگاری میزبان آب قنات کمال‌آباد بود، اما قنات چند سالی است که فوت کرده و آبزیان ارزشمند کویری آن نیز از بین رفته‌اند! (۲۴ تیر ۱۳۹۲، نادر پیری اردکانی).

### صفه دشتبانی:

صفه دشتبانی بر اساس نفقه کشتخوان ساخته می‌شود. بنابراین همه مالکان می‌توانند از این صفه بهره ببرند. صفه شامل یک اتاق مخصوص فصل زمستان است و یک صفه (ایوان) که در فصل تابستان از آن بهره می‌برند. در این مکان یک تنور و خمره‌ای بزرگ پر از آب وجود دارد تا اهل کشتخوان از آن استفاده کنند (تصویر شماره ۱۷).

در گذشته نه‌چندان دور دشتبان موظف بود؛ روزی یک‌بار با چهارپا آب را با سبو به کشاورزان مشغول کار برساند؛ کشتخوان همیشه آب در صفه دشتبانی داشت. حق‌الزحمه آب آوردن و تأمین کردن آب صفه، روشنایی، نگهداری بر اساس نفقه‌ای است که می‌بایست مالکان و شاربین پرداخت کنند. مالکان تعدادی کوزه با پول نفقه خریداری می‌کردند و به دشتبان تحویل می‌دادند. مسؤولیت نگهداری کوزه‌ها هم بر عهده دشتبان بود. بنابراین دشتبان به‌خوبی از کوزه‌ها مراقبت می‌کرد تا متضرر نشود. (دهستانی، ۱۳۹۲، یادداشت ۶۲۵).

### نتیجه‌گیری

امروز اگر میراثی مثل بوکن از مقنی‌ها، چوپانان و انسان‌های گذشته باقی مانده است برای نسل امروز چندان اهمیتی ندارد شاید مهم‌ترین دلیل آن عدم پژوهش کافی، شناخت و ضرورت حفظ آن باشد. در این هیاهوی گسترش شهرها تخریب منابع زیست‌محیطی، گسترش جاده‌ها همه و همه سبب شده است که روند سنتی زنده نگه‌داشتن قنات‌ها یکی پس از دیگری از بین برود. شاید تلاش برای حفظ برخی از این بوکن‌ها برای نسل آتی یک ضرورت باشد. نگارنده در سال‌هایی که در حوزه قنات به پژوهش پرداخته‌ام در خصوص سازه‌ای به نام بوکن به این نتایج دست‌یافته‌ام:

- ۱- طی یک برنامه پژوهشی و جغرافیایی باید تمام بوکن‌های مناطق مختلف کشور نقطه‌گذاری و عکس‌برداری شوند.
- ۲- لازم است برخی از این بوکن‌ها را که کمتر در معرض تهدید هستند در ورودی آن عایق‌بندی شود و برای آیندگان حفظ شود.
- ۳- بوکن‌ها می‌تواند تبدیل به یکی از جاذبه‌های گردشگری شوند با توجه به این‌که ایران مهد کاریز شناخته‌شده است بدین واسطه می‌تواند در کشور صنعت توریست را رونق بخشد.
- ۴- تاکنون کمتر به بوکن‌های شهرهای مختلف کشور پرداخته‌شده است بنابراین حداقل بین بوکن‌های مختلف مقایسه‌ای صورت نگرفته تا وجه شباهت و تفاوت آن را دریابیم.

#### تقدیر و تشکر:

در پایان این مقاله بر خود فرض می‌دانم از کسانی که نگارنده را در این پژوهش همراهی کردند مراتب سپاس خود را بیان نمایم. استاد عزیزم دکتر جواد صفی‌نژاد که همواره رهنمودهای ایشان راهگشای کارهای پژوهشی بنده بوده، دکتر محسن میرجانی باستان‌شناس و رئیس پایگاه پژوهشی اردکان، سرکار خانم فریده حائری ویرایشگر ارجمند کارهای پژوهشی نگارنده و در پایان از همسر عزیزم سرکار خانم فاطمه هاتفی اردکانی که همواره و در همه حال همراه بنده بودند و در تاپ مطالب زحمات زیادی را متحمل شدند.

- جواد قانع از استادکاران جوان قنات‌های شهرستان است. او این دانش را از پدر و پدربزرگ خود آموخته است. اخیراً وی با کمک میراث فرهنگی اردکان بخشی از کوره قنات بهاء‌الدین آباد اردکان را جهت گردشگری احیاء نموده است.

## منابع

- پیری اردکانی، نادر. ۹۰ روز با مقنن، آماده چاپ.
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۷۹)، بوکن، سکونتگاه مقنی‌های یزدی، قنات، گزیده مقالات.
- صفی نژاد، جواد. (۱۳۸۴)، نظام آبیاری سنتی در نائین، کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران و شرکت سهامی آب منطقه‌ای اصفهان و چهارمحال و بختیاری، چاپ اول.

## مصاحبه شونده‌گان

- استادکار، حسین. دهستانی اردکانی<sup>۱</sup>، خبره قنات، بی‌سواد، مصاحبه شفایی سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳.
- اکبری، بمانعلی. (۱۳۹۲)، ساکن روستای توت، ۶۹ ساله، مصاحبه شفایی سال ۱۳۹۲.
- گزستانی، مراد، ساکن اردکان، ۴۸ ساله، مصاحبه شفایی ۱۳۹۳.
- قانعی اردکانی، جواد<sup>۲</sup>، استادکار قنات، مصاحبه شفاهی ۱۳۹۵.
- هاتفی اردکانی، حسین<sup>۳</sup>، استادکار قنات، ساکن اردکان، مصاحبه شفایی ۱۳۹۵.

## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

- ۱- استاد حاج حسین دهستانی اردکانی فرزند میرزا ابوطالب، متولد ۱۳۲۳/۹/۹، محل تولد اردکان. استاد حاج حسین دهستانی از اساتید بنام قنات در شهرستان اردکان است وی از شش سالگی در قنات مشغول به کار شده و از ۲۳ سالگی به صورت مستقل در قنات اردکان فعالیت می‌کند. او تجربه بسیار خوبی در حوزه سازه‌های آبی دارد. استاد حسین هنوز هم به همراه فرزندان خود مسئولیت لایروبی و پیشکارکنی قنات اردکان را به عهده دارد.
- ۲- جواد قانعی اردکانی فرزند محمد، متولد ۱۳۵۸، محل تولد اردکان.
- ۳- استاد حسین هاتفی اردکانی از مقنن پیشکسوت اردکانی تلقی می‌شود. او این دانش را از پدر و نیاکان خود آموخته است. استاد حاج حسین با وجود این که سن او از هفتاد گذشته اما باز به همراه فرزندش در لایروبی و مرمت قنات شرکت می‌کند.